

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۶۳ تا ۹۴

روندها و سناریوهای همگرایی آینده ایران و روسیه مبتنی بر انتقال انرژی خزر

عین‌الله کشاورز ترک^۱، هادی نهادی^۲ و محمدناصر ادیب مهر^۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۷

چکیده

روندها و پیشران‌های تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه با تحولات متفاوت روبه‌رو شده است و بستر نوینی را برای همکاری‌های دو کشور مهیا نموده است. در دهه گذشته روسیه در عرصه‌های مختلفی با غرب به تقابل برخاست که بحران اوکراین، بحران کوزوو، بحران گرجستان (جدایی اوستیای جنوبی)، استقرار سپر موشکی آمریکا در چک، گسترش ناتو در شرق و... از جمله این تقابل‌ها محسوب می‌شود. یکی از عرصه‌های مهم دیگر که تقابل جدی روسیه و غرب را به دنبال داشته، انرژی خزر است. خط لوله انتقال گاز خزر به اروپا از طریق روسیه، خط لوله باکو - تفلیس - جیهان و خط لوله ناباکو، مؤلفه‌هایی هستند که بر روابط روسیه و اروپا تأثیر به‌سزایی دارند. با توجه به رویکرد جدید غرب برای یافتن منبع انرژی جدید و خروج از وابستگی به انرژی خلیج فارس به نظر می‌رسد که منابع انرژی خزر نقش راهبردی را ایفا خواهند نمود. نفوذ آمریکا و غرب در کشورهای ساحلی دریای خزر موجب انشقاق بین استراتژی آنان با روسیه برای صدور انرژی شده است. در این بین همگرایی ایران و روسیه که اغلب مواضع مشابهی در قبال غرب اتخاذ کرده‌اند می‌تواند نتایج مثبت و اثرگذاری را به دنبال داشته باشد. لذا بر اساس آینده تحولات سیاسی - اقتصادی منطقه و بازار انرژی خزر، روندها و سناریوهای همگرایی آینده ایران و روسیه با استفاده از روش عدم قطعیت بحرانی، شناسایی و تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: انتقال انرژی خزر، سناریوهای آینده، روسیه.

۱. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول). e.keshaarz@soc.ikiu.ac.ir

۲. دکترای مدیریت دولتی (منابع انسانی) و پژوهشگر ارشد پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و مدرس دانشگاه پیام نور.

مقدمه

پیشینه روابط ایران و روسیه به گذشته‌های دور بازمی‌گردد؛ ایران و روسیه دست کم در پانصد سال گذشته روابط پرفراز و نشیبی را با یکدیگر داشته‌اند. با نگاهی گذرا به رژیم حقوقی دریای خزر و رویه کشورهای ساحلی این دریا برای فروش انرژی می‌توان به این نتیجه رسید که یک گسیختگی و تکروری در این زمینه به چشم می‌خورد، به این معنی که هر یک از کشورهای این حوزه به صورت جداگانه قرارداد فروش نفت با شرکت‌های نفتی غرب منعقد کرده‌اند. از طرفی حمایت آمریکا از خط لوله نفت، باکو-تفلیس - جیهان نشان داد که عزم این کشور برای بهره‌گیری از انرژی خزر بدون حضور ایران و روسیه بسیار جدی است؛ بنابراین می‌توان گفت: همکاری ایران و روسیه برای مهار غرب در بحث انرژی خزر بسیار بااهمیت و اثرگذار به نظر می‌رسد. دو کشور ایران و روسیه برای انتقال انرژی خزر علاوه بر همکاری‌های فنی نیازمند تعریف یک سازوکار نوین هستند تا بتوانند بر اساس آن همگرایی و همسویی خود را تدوین کنند؛ بنابراین این همگرایی در قالب یک کنسرسیوم انرژی می‌تواند نتایج ارزنده‌ای را به دنبال داشته باشد.

اکنون که تحولات روابط بین‌الملل به سمت وسویی رفته است که منافع جمهوری اسلامی ایران در بستر این تحولات قابل تأمین و دسترسی است، باید از این فرصت برای رسیدن به این منافع نهایت بهره‌برداری را کرد. سؤالی که در این تحقیق مطرح است این است که با توجه به عزم دو کشور ایران و روسیه برای صدور انرژی خزر، آیا سناریوهای آینده بازار انرژی خزر می‌تواند تسهیل‌گر همگرایی ایران و روسیه در ایجاد ساختارهای جدید در این حوزه باشد؟ در این تحقیق تلاش شده تا به این سؤال پاسخ داده شود؛ بنابراین حضور ایران و روسیه در کنار یکدیگر برای صدور انرژی خزر علاوه بر همگرایی بین دو کشور، موجب تقویت مواضع سیاسی و افزایش قدرت دیپلماتیک و اقتصادی آنان در برابر غرب نیز خواهد شد.

۱. زمینه‌های همگرایی بین ایران و روسیه

زمینه‌های همگرایی بین ایران و روسیه را باید در دارایی‌ها و توانمندی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و منافع مشترک آن‌ها جستجو کرد. این دو کشور بالاترین سهم را از مجموع منابع طبیعی نفت و گاز دارا هستند. هر یک می‌توانند در عرصه دیپلماسی انرژی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه نقش مهمی ایفا نمایند. ایران و روسیه در مجموع ۲۰ درصد نفت و ۵۰ درصد از ذخایر گاز جهان را دارا هستند. نفت و گاز طبیعی مورد نیاز جهان که در حال حاضر حدود ۲۵ درصد انرژی جهان را تأمین می‌نماید و حداقل تا پنجاه سال آینده مهم‌ترین منبع انرژی مکمل یا جایگزین نفت محسوب می‌شود، بدون نقش‌آفرینی این دو کشور قابل تأمین نخواهد بود.

موقعیت منحصربه‌فرد ایران در جنوب غرب آسیا و دسترسی بی‌واسطه آن به آبراه‌های بین‌المللی و مالکیت توأمان ذخایر چشمگیر نفت و گاز در دو حوزه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر، جایگاه روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده و صادرکننده گاز جهان که فروش و انتقال گاز خود را به‌طور عمده از طریق خطوط لوله انجام می‌دهد و از نفوذ سیاسی بالایی در کشورهای آسیای میانه و همسایگان دریای خزر برخوردار می‌باشد، فرصت‌های زیادی را برای همکاری اقتصادی با منافع راهبردی برای همه طرف‌های ذینفع ایجاد کرده است. ذخایر نفت ایران و روسیه در حوزه دریای خزر بالغ بر ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد شده که حدود پنج برابر مجموع ذخایر سه کشور دیگر حاشیه دریای خزر است.^۱ تحقق طرح‌هایی از این قبیل، از جمله خرید گاز از ترکمنستان و سوآپ برق با ارمنستان و مشارکت ایران در تأمین گاز مورد نیاز خط لوله نابوکو، مستلزم آگاهی و اراده مشترک بازیگران و دیپلماسی فعال منطقه‌ای و البته حمایت و نقش‌آفرینی روسیه است و در مجموع می‌تواند به همکاری و همگرایی در منطقه کمک کند. ظرفیت‌های همکاری و همگرایی در زمینه توسعه و فروش و انتقال گاز بین کشورهای حاشیه دریای خزر نیز بسیار قابل توجه است. بخش اعظم ذخایر گاز این منطقه که حدود ۷۳ تریلیون متر مکعب

1. Energy Statistical Review of World, 2009

می‌باشد، متعلق به روسیه و ایران است. این مقدار حدود هفت برابر مجموع گاز قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان است. از نظر تولید گاز نیز مجموع تولید این سه کشور در سال ۲۰۰۸، حدود یک‌هفتم مجموع تولید ایران و روسیه بوده است (قربان، ۱۳۸۹: ۴۵۸).

در صورت همکاری و هماهنگی بین کشورهای دارای گاز در حوزه دریای خزر، ایجاد یک شبکه انتقال گاز منطقه‌ای که از شبه‌قاره هند تا اروپا را تحت پوشش قرار دهد، کاملاً امکان‌پذیر است. فواید مترتب بر هماهنگی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در این زمینه موجب گردید که ایران، روسیه و قطر همراه با چند کشور دیگر که در مجموع ۷۰ درصد از ذخایر شناخته‌شده گازی جهان و بیش از ۴۰ درصد از تولید آن را در اختیار دارند،^۱ از سال ۲۰۰۱ به این سو در گرد هم آیند و «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» را تشکیل دهند؛ اگرچه این مجمع با گذشت یک دهه از زمان تأسیس خود، مراحلی از تکامل و تثبیت سازمانی را طی کرده است، اما در عمل هنوز نتوانسته به یک سازمان تأثیرگذار در بازار گاز طبیعی تبدیل شود. با این حال، رایزنی منظم و مستمر بین اعضا درباره زمینه‌های همکاری از جمله برای شکل دادن به یک نظام قیمت‌گذاری برای گاز طبیعی، امنیت تقاضا، جذب سرمایه برای توسعه میدان‌های گازی و نحوه تعامل با مصرف‌کنندگان، همگرایی بین اعضا را تسهیل کرده و امکان نقش‌آفرینی این سازمان را در شرایط بحرانی و نوسانات حاد قیمتی فراهم آورده است. با عنایت به اینکه روسیه توانسته است با گسترش خطوط انتقال و صادرات گاز به اروپا از امنیت تقاضا از جانب کشورهای مسیر و مقصد در این قاره در میان‌مدت اطمینان حاصل نماید، به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدفی که روسیه از عضویت و فعالیت در این مجمع کشورهای صادرکننده گاز دنبال می‌کند کنترل عرضه و در دست گرفتن قیمت در بازار جهانی گاز طبیعی و حفظ ثبات و امنیت تقاضای مؤثر از سوی

۱. در حال حاضر کشورهای الجزایر، ایران، بولیوی، ترینیداد و توباگو، روسیه، قطر، گینه استوایی، لیبی، مصر، نیجریه و ونزوئلا یازده عضو رسمی این مجمع و قزاقستان، هلند و نروژ نیز اعضای ناظر آن هستند. اساسنامه مجمع کشورهای صادرکننده گاز در سال ۲۰۰۸ میلادی رسماً به تصویب اعضا رسید و دبیرخانه دائم آن در دوحه تشکیل شد.

مصرف‌کننده گاز به‌ویژه در اروپا و آمریکا باشد. روسیه در دیپلماسی انرژی خود در قبال ایران به‌طور مشخص فعالیت در بخش‌های بالادستی نفت و گاز را دنبال می‌کند و همچنین خواستار مشارکت در احداث خطوط لوله صادرات گاز به بازارهای مصرف آسیایی است (قربان، ۱۳۸۹: ۴۶۱).

۲. روش‌شناسی

کوتاه‌ترین و شیواترین تعریف سناریو^۱ را (وندل بل ۲۰۰۳: ۳۱۷) بیان کرده است که سناریوها را محصول روش‌های آینده‌پژوهی می‌داند. وی بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. روش سناریو را می‌توان روشی برای خلاصه‌سازی نتایج تلاش‌های آینده‌پژوهی دانست. برخی سناریو را توصیف از وضعیت آینده و مجموعه‌های از رخدادهایی که آن وضعیت را به وجود می‌آورند تعریف می‌کنند. سناریوپردازی، مجموعه‌گام‌هایی است که یک فرد یا سازمان می‌تواند طی کند تا آینده‌های ممکن را در جهت اخذ تصمیم‌گیری راهبردی زمان حال بررسی کند (ون در هیجن، ۲۰۰۵). امروزه کاربرد سناریو در طیف وسیعی از موقعیت‌ها صورت می‌گیرد؛ ارزیابی محیط جهانی (ون نویتن و همکاران، ۲۰۰۳)، سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌سازی سیاسی، محیط‌های کسب‌وکار (شووترز، ۱۹۹۱). در مورد سناریوپردازی روش‌شناسی‌های مختلفی ارائه شده است. از دیدگاه هاس و هوتون، دو محقق برنامه‌ریزی سازمان‌ها، به‌طور فزاینده‌ای از تحلیل سناریوها استفاده می‌کنند که هدف اصلی آن پیش‌بینی آینده‌های ممکن است و تشخیص شرایطی است که منتهی به تغییرات بنیادین می‌شود. تحلیل سناریوها برخلاف روش‌های سنتی (که به‌طور عمده بر برون‌یابی گذشته استوار هستند) باعث تشویق برنامه‌ریزان برای تفکر گسترده‌تر و خلاقانه‌تر نسبت به آینده می‌شود. با بررسی روش‌های مختلف، فرآیندها و مراحل زیر کمابیش در روش‌های متفاوت دیده شده است که به‌صورت بالقوه قابلیت استفاده در طراحی سناریوهای این پژوهش را دارند.

- بنا نهادن یک گروه سناریوپردازی؛ شامل تصمیم‌گیران کلیدی و ذینفعان اصلی.
- مشخص کردن سؤال یا مسئله اصلی که باید به آن پاسخ داده شود.
- تعیین افق زمانی.
- شناسایی تمایلات و روند تغییر تمایلات ذینفعان اصلی.
- نگاشت روندهای پایه‌ای و نیروهای پیشران.
- شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی.
- گروه‌بندی نیروهای پیشران، با تقلیل و تجمیع نیروهای پیشران که به هم مرتبط هستند می‌توان به تعداد محدود و معدودی سناریو رسید.
- تعریف و تدوین سناریوهای معدود، معمولاً بین سه تا چهار سناریو.
- ارزیابی سناریوهای بررسی صحت، اعتبار، ارتباط با هدف/مسئله تصمیم (شوارتز، ۱۹۹۱).
- بر مبنای ماهیت تحولات در عرصه روابط بین‌الملل، روش عدم قطعیت بحرانی بیشترین انطباق را با حوزه سناریوهای این تحقیق دارا می‌باشد.

۳. نظریه‌های ژئوپلیتیک و دریای خزر

برای روشن شدن موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه، ابتدا لازم است تا با نگاهی به دیدگاه‌های جهانی ژئوپلیتیک، جایگاه این منطقه را در این نظریات بشناسیم. سرهلفورد مکیندر در سال ۱۹۰۴ میلادی طی مقاله‌ای تحت عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» با طرح منطقه هارتلند یا قلب زمین، محدوده آن را از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌کند (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۲۸). سپس این مرزبندی تا حدی به سمت غرب تغییر یافت، به طوری که تمام سرزمین روسیه قلمرو شرقی آن را در برمی‌گرفت؛ یعنی «جزیره جهانی» روسیه جزو قلمرو شرقی آن محسوب می‌شد. مکیندر بخش دوم این ساختار فضایی را «هلال داخلی» مشتمل بر خشکی‌های اطراف هارتلند در اقیانوس‌ها می‌دانست.

اسپایکمن در سال ۱۹۴۴ میلادی با طرح نظریه‌ای، اصالت قدرت را به سرزمین حاشیه‌ای «ریملند» داد (همال داخلی و خارجی مکیندر)؛ چون این قلمرو امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بیشتر فراهم می‌نمود و از طرفی بیشترین منابع، نیروی انسانی و سهولت ارتباطات را در خود دارد (تقوی اصل؛ ۱۳۷۹: ۲۸). لذا منطقه خزر در چهارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیکی دوره جنگ سرد و پیش از آن، بین دو قلمرو هارتلند و ریملند که در نظریات فوق انعکاس یافته بود، قرار داشت؛ یعنی بخش عمده آن در شمال جزیره هارتلند بود که در کنترل قدرت بری؛ یعنی شوروی قرار داشت و بخش جنوبی آن جزو کشور ایران و در مرز قلمرو ریملند و سرزمین حاشیه محسوب می‌شد. این منطقه در دوره جنگ سرد و قبل از آن، سطح تماس و اصطکاک دو قدرت جهانی از لحاظ بری و بحری بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۴).

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد که با تحول در الگوی موازنه قدرت همراه بود، سبب پدیدار شدن ساختار جدید قدرت در نظام جهانی شد (مجهدزاده، ۱۳۸۱: ۹۸). کارکرد و نقش بسیاری از مناطق نیز متحول و فعال شد، از جمله حوزه ژئوپلیتیک خزر که از سیطره الگوی توازن قوا خارج شده بود، نیروهای ژئوپلیتیک درونی آن فعال گردید و در پیوند با نیروهای فعال برو منطقه‌ای از پویایی خاصی برخوردار گردید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۸۶). به طوری که امروزه منطقه خزر به عنوان یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیک در معادلات قدرت‌های جهانی به ایفای نقش می‌پردازد.

۴. عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک دریای خزر و ایجاد بحران در حوزه دریای خزر

در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل ایجاد بحران و ناامنی را در این منطقه می‌توان به سه دسته تقسیم نمود.

دسته اول: عامل نیروی انسانی است که به دلایلی نظیر تکثر قومی، مذهبی، تنوع جمعیتی، ایجاد مرزبندی‌های جدید، تنوع ملی، تابعیت و عدم پذیرش نوع تقسیمی که در مرزها صورت گرفته است و یا سهمی که به این اقوام داده شده است، زمینه‌های اصلی چالش را فراهم آورده است.

دسته دوم: عامل حکومتی - سیاسی است که به شکل کشمکش‌های حکومتی در سطح ملی و یا در سطح فروملی در منطقه ظهور کرده و موجب بی‌ثباتی در منطقه گردیده است. دسته سوم: عامل نظامی و سرویس‌های امنیتی است که به شکل دخالت و رقابت (کا. گ.ب) و سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در کشورهای منطقه موجبات ایجاد بحران و ناآرامی را فراهم می‌کنند (ملکی، ۱۳۸۱: ۴۱).

تمام این عوامل ایجاد بحران به همراه مسائل داخلی نظام حکومتی کشورهای تازه‌استقلال‌یافته حوزه خزر بر موقعیت ژئوپلیتیک منطقه و از جمله بر مسیرهای انتقال انرژی منطقه تأثیرگذار است؛ بنابراین دریای خزر برای کشورهای همجوارش از چند جهت اهمیت ژئوپلیتیک عمده دارد: (اسکلیارف، ۱۳۸۵: ۸۱)

۱. اتصال مناطق ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز و کشورهای ساحلی خزر به یکدیگر.

۲. وجود منابع ارزشمند نفت و گاز.

۳. حمل و نقل و کشتیرانی که ضرورتی حیاتی برای تجارت دریایی محسوب می‌شود.

۴. وجود آبزیان ارزشمند از جمله ماهیان خاویاری.

۵. بررسی و ارزیابی مسیرهای انتقال نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی

بیشتر منابع انرژی نفت و گاز خزر مربوط به کشورهایی است که محصور در خشکی هستند و جهت صدور به بازارهای مصرف، احتیاج به انتقال از روش‌های مختلف و از طریق کشورهای همسایه دارند. جهت صادرات این منابع، راه‌های مختلف وجود دارد که معمول‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: روش معاوضه (سوآپ)

اصولاً روش معاوضه یا سوآپ نفت خام بین دو کشور، احتیاج به حصول شرایطی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نبودن مسیر مناسب برای انتقال از سوی کشور صادرکننده.

۲. وجود مسیر مناسب با امکانات و تسهیلات لازم جهت صادرات در کشور همجوار.
۳. مناطق همجوار با کشور صادرکننده نیاز به مصرف محصولات نفتی داشته باشد و میدان‌ها و پالایشگاه‌های کشور همجوار از نواحی مصرف خود دور باشد.
۴. تولید نفت خام برای انجام معاملات سوآپ کافی باشد.
۵. وجود پالایشگاه‌ها، خطوط لوله مناسب برای انتقال، امکانات و تسهیلات بارگیری و اسکله‌ها.
۶. توافق طرفین و وجود اراده سیاسی قوی برای انجام معاملات سوآپ (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۱ و ۱۳۲).

ب: روش انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله

این روش نیز از جهاتی صاحب‌امتیاز و برتری نسبت به روش معاوضه است و تقریباً تمام شرایطی که برای انتقال از روش معاوضه لازم است در این مورد نیز ضروری به نظر می‌رسد، با این تفاوت که احتیاج به توسعه خطوط لوله بیشتر، سرمایه‌گذاری در امور فنی و ایجاد تسهیلات لازم مثل تعمیرات خطوط لوله قدیمی، ایجاد اسکله‌ها و پالایشگاه‌ها و... رفع موانع سیاسی مسیر انتقال، ظرفیت‌سازی خطوط لوله و... دارد.

جدول شماره ۱: مسیرهای صادرات نفت منطقه خزر

(محمدرضا، ۱۳۸۴: ۱۲۸ و ۱۲۹) (نعمت الهی، ۱۳۸۴: ۳۵۲)

مسیر	ظرفیت خط لوله (بشکه در روز)	طول مسیر	سرمایه‌گذاری
باکو- تفلیس- جیحان	یک میلیون	۱۰۳۸ مایل	۲/۴-۳/۷ میلیارد دلار
باکو- سوپسا	۱۱۵ هزار، ۲۱۰ در ۲۰۰۲	۵۱۵ مایل	۶۰۰ میلیون دلار بدون افزایش ظرفیت
باکو- نوروسیسک از طریق چین	۱۰۰ هزار، افزایش تا ۳۰۰ هزار	۸۶۸ مایل (۹۰ مایل در چین)	۶۰۰ میلیون دلار برای افزایش ظرفیت تا ۳۰۰ هزار
باکو- نوروسیسک از	خط لوله ۱۲۰ هزار (سال)	۲۰۴ مایل	۱۴۰ میلیون دلار

مسیر	ظرفیت خط لوله (بشکه در روز)	طول مسیر	سرمایه گذاری
طریق داغستان	۲۰۰۰) راه آهن و خط لوله ۱۶۰ هزار، ۳۶۰ هزار (سال ۲۰۰۵)		
آترائو- سامارا (روسیه)	۲۱۰ هزار، افزایش تا ۳۱۰ هزار	۴۳۲ مایل	افزایش ظرفیت ۳۷/۵ میلیون دلار
تنگیز-نوروسیسک خط لوله CPC	فاز اول ۵۶۰ هزار - ظرفیت نهایی یک میلیون و ۳۴۰ هزار	۹۳۰ مایل	فاز یک، ۲/۴ میلیارد دلار، تکمیل نهایی، ۴/۲ میلیارد دلار
گاردابانی (آذربایجان)- باتومی (گرجستان)	نهایی نشده	تعمیر خط لوله موجود	نهایی نشده
باکو- تبریز	۲۰۰-۴۰۰ هزار	مسیر نهایی نشده	۵۰۰ میلیون دلار
بند نکا- تهران	۱۷۵ هزار افزایش تا ۳۷۰ هزار	۲۰۸ مایل	۴۰۰-۵۰۰ میلیون دلار
آکتوبینسک (قزاقستان)- شین جیانگ (چین)	۴۰۰-۸۰۰ هزار	۱۸۰۰ مایل	۳-۳/۵ میلیارد دلار
قزاقستان - ترکمنستان- ایران KTI	یک میلیون	۹۳۰ مایل	۱/۲ میلیارد دلار
بند دوبندی (آذربایجان)- بندر بانومی (گرجستان)	۷۰ هزار، افزایش تا ۱۴۰ هزار	راه آهن و ۱۴۴ مایل خط لوله (خاسوری- باتومی)	۷۰-۱۰۰ میلیون دلار برای تعمیرات خط لوله
قزاقستان - ترکمنستان - افغانستان - گوادر (پاکستان)	یک میلیون	۱۰۴۰ مایل	۲/۵ میلیارد دلار
خط لوله دوقلوی- ماوراء خزر	آکتائو- باکو- جیان	تعیین نشده، ۳۷۰ مایل تا باکو	۴ میلیارد دلار تا جیحان

جدول شماره ۲: مسیرهای صادرات گاز طبیعی منطقه خزر (جلالی ۱۳۸۴: ۱۲۹ و ۱۳۰)

مسیر خط لوله	طول مسیر	ظرفیت میلیارده فوت مکعب در سال	سرمایه گذاری	وضعیت
باکو - تفلیس - ارزروم	۳۰۰ مایل تعمیرات خط لوله قاضی محمد - اقداش - قزاق (آذربایجان - گرجستان) ۱۷۴ مایل ادامه تا ارزروم	شروع ۱۷۵ افزایش تا ۳۵۰ ظرفیت نهایی ۵۶۵	۸۲ میلیون دلار تعمیرات در آذربایجان ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار ادامه گرجستان به ارزروم	مطالعات امکان سنجی توسط سفره گاز فرانسه انجام شده، تاریخ تکمیل ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲
دولت آباد یا میدانها یاشار ترکمنستان به مولتان پاکستان، احتمالاً ادامه تا هند	۹۰۰ مایل تا مولتان پاکستان - ۴۰۰ مایل اضافی به هند	۷۰۰	۱/۹ میلیارد دلار به پاکستان - ۵۰۰ میلیون دلار اضافی به هند	تفاهم نامه بیم ترکمنستان - پاکستان - افغانستان - ازبکستان مشکل مالی به خاطر جنگ افغانستان
آسیای مرکزی - روسیه - اروپا ترکمنستان - قزاقستان - روسیه	تأیید نشده - از شبکه خط لوله موجود استفاده می گردد	۳۵۰۰	از شبکه خطوط لوله موجود استفاده می گردد	ترکمنستان به منظور افزایش صادرات گاز به روسیه به ۱/۸ تا ۱/۲ تریلیون فوت مکعب تا سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ قرارداد امضا نموده است.
ترکمنستان - شین جیانگ (چین)، احتمالاً ادامه تا ژاپن	۵۰۰۰ مایل، در صورت ادامه به ژاپن بیشتر خواهد بود	۱۰۰۰	۱۰ میلیارد دلار تا چین، در صورت ادامه تا ژاپن بیشتر خواهد شد.	مطالعات امکان سنجی اولیه توسط اکسون، میسویشی و شرکت ملی نفت چین
خط لوله دوقلوی	نهایی نشده	نهایی نشده	نهایی نشده	مطالعات

مسیر خط لوله	طول مسیر	ظرفیت میلیارده فوت مکعب در سال	سرمایه گذاری	وضعیت
گاز ماوراء خزر، قزاقستان - باکو - جیحان				امکان‌سنجی در دسامبر ۱۹۹۸ توسط شل، شورون، موبیل و قزاقستان انجام شده
خط لوله ماوراء خزر، ترکمنباشی - باکو - ارزروم (ترانسخزر)	۱۰۵۴ مایل	۱۱۰۰	۲-۳ میلیارد دلار	مطالعات امکان‌سنجی توسط PSG و شل انجام شده تا سال ۲۰۰۶ به تأخیر افتاد
روسیه - ترکیه، از طریق گرجستان و ارمنستان	۱۲۵ مایل	۴۲۵	۲۵۰ میلیون دلار	شرکت گاز پرو در سال ۱۹۹۹ پروژه را تکمیل و راه‌اندازی کرد
ترکمنستان - ایرانکراپچه - کردکوی	۹۰ مایل	۳۵۰-۲۸۳ تا ۲۰۰۵ به ۷۷۷ و ۲۱۰۱۰ به ۱۱۰۰	۱۹۰ میلیون دلار ۴۰۰ - ۳۰۰ میلیون دلار برای توسعه تا ۲۰۰۵	دسامبر ۱۹۹۷ راه‌اندازی شد
ترکمنستان - ایران - سرخس - تهران	تأیید نشده	شروع: ۷۰۰ توسعه به ۱۸۰۰ تا ۲۱۰۰	۱/۲-۱/۵ میلیارد دلار	پیشنهاد شده
اوکارم	۱۳۵۰	۱۰۰۰	۳/۸-۴ میلیارد دلار	مطالعات امکان‌سنجی اولیه توسط رویال داچ/شل انجام و بایگانی شده است

۶. شناسایی عوامل و روندهای مؤثر در همگرایی ایران و روسیه

روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه در طول تاریخ همواره نوسان داشته و این روابط متأثر از تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده است. اکنون که روسیه دچار چالش جدی با غرب شده و آمریکا و اروپا رویکرد تحریمی نسبت به این کشور را در پیش گرفته‌اند؛ چرخش روسیه به سمت ایران و برخی کشورهای آسیایی از جمله چین و هند بیش از پیش حس می‌شود. بر این اساس می‌بینیم که روندهای سیاست خارجی جهان و پیشران‌هایی که موجب شکل‌گیری این روندها می‌شوند به سمت و سویی حرکت می‌کنند که دو مؤلفه زیر را تقویت می‌نمایند.

الف: واگرایی روسیه نسبت به غرب و آمریکا.

ب: چرخش روسیه به سمت کشورهای آسیایی و غیر غربی.

با نگاهی به تحولات روابط بین‌الملل و استراتژی بلندمدت روسیه در اروپای شرقی درمی‌یابیم که تقابل روسیه با غرب تا حدودی هم اجتناب‌ناپذیر بود؛ چراکه روسیه به دنبال احیای قدرت گذشته و هژمونی خود در زمان شوروی سابق است و آمریکا و اروپا به دنبال مقابله با این استراتژی روسیه هستند. به این ترتیب می‌بینیم که این تقابل موجب شکل‌گیری روندها و پیشران‌هایی می‌شود که سیاست خارجی این دو طیف را تشکیل می‌دهد. بر این اساس روندهای مؤثر و پیشران‌هایی که موجب همگرایی ایران و روسیه می‌شوند را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد.

۱. تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو.
۲. بحران گرجستان.
۳. بحران اوکراین.
۴. سپر دفاع موشکی در لهستان و چک.
۵. گسترش ناتو به شرق.
۶. انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق‌شده از شوروی سابق.
۷. انتشار اطلاعات مبتنی بر توسعه فناوری اطلاعات (پرونده اسنودن و ...).
۸. تحریم روسیه توسط غرب و اخراج گروه جی ۸

۹. بحران سوریه و حمایت ایران و روسیه از سوریه.

۱۰. منابع انرژی خزر.

۶-۱. تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو

استقلال کوزوو و دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی را می‌بایست در چهارچوب رقابت‌های آمریکا و روسیه دانست. روسیه با تجزیه دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان توانسته است نفوذ خود را در دریای سیاه، شرق اروپا و جمهوری‌های بازمانده از شوروی سابق احیاء کند و سیطره خود را بر این مناطق حفظ نماید؛ همچنین مانع گسترش ناتو به نزدیکی مرزهای خود شود. از سوی دیگر آمریکا هم با حمایت از استقلال کوزوو و بهره‌برداری از بحران گرجستان پس از دو سال بحث و مذاکره و مخالفت شدید روسیه، توانست پیمان استقرار سامانه موشکی خود را با لهستان امضاء کند. به این ترتیب قدرت‌های بزرگ دانسته و یا ندانسته به بازی خطرناکی روی آورده‌اند که دامنه آن غیر قابل کنترل بوده و به این زودی‌ها تمام نخواهد شد. اعلام استقلال مناطق جدایی طلب بدعت خطرناکی است که از سوی دو قدرت جهانی آمریکا و روسیه بر آن دامن زده می‌شود (بابا، ۱۳۸۸: ۹۸).

۶-۲. بحران گرجستان

اساساً روسیه نسبت به رویدادهایی که در حوزه امنیت ملی این کشور رخ می‌دهد حساسیت مضاعفی دارد؛ به این ترتیب تحولات منطقه قفقاز و اروپای شرقی همواره موجب حساسیت و اقدام روسیه در این حوزه شده است (واعظی ۱۳۸۸: ۲۳۰)؛ به‌عنوان مثال مسئله گرجستان که با تنش فراوان همراه بود و در نهایت منجر به جدایی دو بخش از این کشور- آبخازیا و اوستیای جنوبی - و پیوستن گرجستان به ناتو شد نمونه بارزی از تقابل روسیه با آمریکا و غرب در حوزه مسائل امنیتی مسکو بود که در این مسئله ناتو تنها به اجرای یک مانور نظامی در دریای سیاه بسنده کرد و مسکو نشان داد که بر سر مسائل

امنیتی، حاضر به مماشات نیست و درگیری روسیه و گرجستان نخستین کاربرد نیروی نظامی روسیه خارج از مرزهای کشور و حمله نظامی به یکی از متحدان غرب در دوره بیست‌ساله پس از جنگ سرد بود (واعظی: همان).

۳-۶. بحران اوکراین

بحران اوکراین نمونه جدی تقابل روسیه با غرب است که ارتعاشات آن در فضای دیپلماتیک بین‌المللی همچنان ادامه دارد؛ اوکراین منطقه‌ای بسیار مهم و استراتژیک است و در تمام تهاجم‌ها به روسیه مانند حمله ناپلئون، امپراتوری آلمان و آلمان نازی به‌عنوان سپر روسیه بوده است. هیچ‌یک از رهبران روسی در برابر کمک غرب برای ایجاد دولتی در اوکراین که قصد پیوند این کشور به غرب را دارد ساکت نمی‌مانند. شاید واشنگتن موقعیت مسکو را دوست نداشته باشد، اما باید منطق پشت آن را بفهمد. این یک اصل ژئوپلیتیک است که: قدرت‌های بزرگ همیشه به تهدیدهای بالقوه در نزدیکی محدوده‌شان حساس هستند. آمریکا هرگز استقرار یک نیروی نظامی بزرگ در هیچ کجای نیمکره غربی را نمی‌پذیرد؛ چه برسد به استقرار آن در مرزهایش؛ بنابراین طبیعی است که روسیه نسبت به اوکراین واکنشی قاطع داشته باشد (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

غرب به تحریم اقتصادی برای پایان دادن به حمایت‌های روسیه از شورشیان اوکراین شرقی روی آورده است. اکنون آمریکا و اتحادیه اروپا دور سوم تحریم‌هایشان را آغاز کردند، تحریم‌هایی که شخصیت‌های رده‌بالای نزدیک به دولت، بانک‌های بزرگ، شرکت‌های انرژی و مراکز دفاعی را هدف قرار می‌دهد. آن‌ها همچنین تهدید کردند که دور سخت‌تری از تحریم‌ها که تمام بخش‌های اقتصاد روسیه را در برمی‌گیرد، در راه است و آن را اجرا خواهند کرد.

کشورهای غربی به‌ویژه آلمان در برابر وضع این تحریم‌ها مقاومت می‌کنند، چراکه می‌ترسند روسیه به‌گونه‌ای پاسخ این تحریم‌ها را بدهد که آسیب‌های شدیدی به اقتصاد اتحادیه اروپا وارد کند، اما حتی اگر آمریکا موفق به قانع کردن متحدان اروپایی‌اش شود تا

تحریم‌های سخت‌تر وضع کند، احتمالاً پوتین تصمیمش را عوض نمی‌کند. تاریخ نشان داده که کشورها برای حفظ باورهای استراتژیک اصلی‌شان، تنبیه‌های سخت را تحمل می‌کنند و هیچ دلیلی وجود ندارد که روسیه را مستثنا از این قاعده بدانیم. رهبران غربی به سیاست‌های تحریک‌کننده‌ای چسبیده‌اند که روند بحران اوکراین را در ابتدا تسریع کردند که این امر برای آنان هزینه خواهد داشت (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

۶-۴. سپر دفاع موشکی در لهستان و چک

تلاش آمریکا برای استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در منطقه اروپای شرقی نشان می‌دهد که آمریکا اهداف دیگری را دنبال می‌کند. روس‌ها بر این باورند که آنچه امروز از آن به‌عنوان مقابله با تهدید موشکی ایران و کره شمالی یاد می‌شود، پوششی جدید برای هدف اصلی استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپاست. آمریکا از مدت‌ها پیش درصدد تغییر موازنه استراتژیک در اروپا به نفع خود بوده است و ایجاد شرایطی که امکان یک حمله هسته‌ای پیش‌دستانه را به‌صورت بالقوه برای آمریکا حفظ کند، یک راهبرد بلندمدت در دکترین نظامی آمریکاست. هدف اصلی سیستم دفاع ضد موشکی در اروپا، نه ایران بلکه روسیه است (امینی، ۱۳۸۶: ۲۴۵)؛ بنابراین می‌توان گفت این مسئله هم به‌عنوان یکی از روندهای واگرایی غرب و روسیه محسوب می‌شود.

۶-۵. گسترش ناتو به شرق و گسترش اعضای اتحادیه اروپا

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو در ابتدا به‌عنوان یک رژیم امنیتی برای حفظ منافع دولت آمریکا در مقابل شوروی شکل گرفت ولی با فروپاشی این کشور، گسترش در کارکردهای آن، شکل‌گیری قواعد و عرف جدید و گسترش به شرق به‌صورت یک خیر همگانی باعث برقراری ثبات شده است^۱ (مرادی، ۱۳۸۰: ۳۰۳ و ۳۰۴).

آمریکا برای ایجاد نظم جدید در جهان و به‌ویژه در اروپا، به ناتو متکی است. ناتو تنها

1. Bertton woods system

نهادی است که دخالت و نفوذ آمریکا را در اروپای شرقی مشروع جلوه می‌دهد و کسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌داند. آمریکا در دهه ۱۹۹۰ میلادی فرایند تحول ناتو برای تبدیل آن به ابزاری کارآمد برای هژمونی خود را مدیریت کرده است. (جوزف نای، ۱۹۹۰: ۳۳۵) این تحول در چند عرصه صورت گرفته است:

۱. تبدیل ناتو به سازمانی سیاسی‌تر که هدف آن ایجاد ثبات و مدیریت بحران در کل قاره اروپاست. نقطه اوج این تحول در تدوین مفهوم استراتژیک جدید در سال ۱۹۹۱ میلادی قابل مشاهده است.
۲. مشارکت در صلح و ثبات، از سال ۱۹۹۵ میلادی محور اصلی فعالیت‌های ناتو ایجاد ثبات در منطقه بحران‌زده بالکان بوده است.
۳. پیدایی کارکردهای جدید از جمله اقتصاد سیاسی، مبارزه با مواد مخدر و مقابله با تروریسم.
۴. گسترش ناتو به شرق (قفقاز، بالکان، بالتیک، اسکاندیناوی).

به این ترتیب می‌بینیم که گسترش ناتو به شرق در مسیر محدودسازی حوزه ژئوپلیتیکی روسیه قرار دارد و روسیه در واقع گسترش ناتو را به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر پس از پایان جنگ سرد می‌داند؛ زیرا هنوز تفکر «حاصل جمع صفر» یا بی‌اعتمادی به تحولات ناتو پس از جنگ سرد در روسیه وجود دارد و این‌گونه تلقی می‌شود که گسترش ناتو و تحکیم موقعیت آن در اروپا، روسیه را از ایفای نقش در امنیت اروپا بازخواهد داشت (رحمانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). به‌علاوه این روند موجب شده تا تمایلات ضد غربی در روسیه افزایش یابد که چشم‌انداز آینده آن شروع تقابل و جنگ سردی جدید در قرن ۲۱ است.

۶-۶. انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق‌شده از شوروی سابق

انقلاب گل رز در گرجستان در اثر یک جنبش غیر خشونت‌بار به‌نام «کامارا» به پیروزی رسید؛ اگر در گرجستان به‌واسطه ورود ساکاشویلی و حامیان وی با شاخه‌های گل رز

به پارلمان، نام انقلاب رز بر آن نهاده شد، در مورد اوکراین نیز به واسطه استفاده از پرچم‌های نارنجی‌رنگ توسط تظاهرکنندگان، این انقلاب نام نارنجی به خود گرفت. در قرقیزستان هم مردم ناراضی، از رنگ‌های صورتی و زرد در تظاهراتشان استفاده نمودند ولی به دلیل اینکه قرقیزستان دارای گونه‌های متنوعی از گل‌های لاله است، نام این انقلاب نیز به انقلاب لاله‌ای قرقیزستان مشهور گشت؛ با نگاهی به ماهیت این انقلاب‌ها درمی‌یابیم که تمامی این جنبش‌ها حرکت‌هایی نرم، خزنده و بدون خشونت برای جابه‌جایی قدرت در کشورهای هدف بوده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب‌های رنگین این است که این تحولات کلاً در محیط سابق بلوک شرق حادث شده است؛ چراکه کشورهای واقع شده در اروپای شرقی، مرکزی و جمهوری‌های سابق شوروی، سال‌ها در سیطره نظامی بودند که به شدت آزادی‌های مدنی و اجتماعی افراد را محدود می‌کردند و هرگونه تحول‌خواهی مدنی را با خشونت پاسخ می‌دادند. عکس‌العمل روسیه نسبت به وقوع انقلاب‌های مخملی در محیط امنیتی و جمهوری‌های سابق خود اغلب واکنش آمریکا و کشورهای غربی را به دنبال داشته است که این کنش، واکنش موجب تقابل آمریکا و روسیه شده است (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

برخی از ویژگی‌های انقلاب‌های رنگین را می‌توان چنین تشریح کرد:

۱. بهره‌گیری از بستر انتخابات (ادعای تقلب در انتخابات) به‌عنوان موقعیتی برای بسیج توده‌ای بر ضد رژیم‌های شبه‌دموکراتیک.
۲. حمایت خارجی برای توسعه جنبش‌های محلی.
۳. سازمان‌دهی جوانان رادیکال برای اجرای تاکتیک تظاهرات غیرمتعارف قبل از انتخابات با هدف به تحلیل بردن محبوبیت رژیم و فراهم کردن بستر برای وارد کردن ضربه نهایی به آن.
۴. وجود یک اپوزیسیون یکپارچه که تا حدودی با خارج در ارتباط است.
۵. فشارهای دیپلماتیک خارجی و پایش گسترده و نظارت غیر معمول انتخابات.

۶. بسیج توده‌ای مردم برای تقلب‌آمیز جلوه دادن انتخابات و کاربرد تاکتیک مقاومت غیر خشونت‌بار با هدف تحت فشار گذاشتن هیئت حاکمه جهت پذیرش خواسته‌های اپوزیسیون و معترضین (بیزینگر، ۲۰۰۵: ۱۲۰).

۶-۷. انتشار اطلاعات مبتنی بر توسعه فناوری اطلاعات (پرونده اسنودن و ...)

جاسوسی یکی از متداول‌ترین شیوه‌هایی است که کشورهای جهان برای آگاهی از حوزه‌های امنیتی و محیط پیرامون خود به کار می‌گیرند؛ شنود آمریکا از مکالمات سران کشورهای آلمان و فرانسه، افشاکری‌های ویکی لیکس و پناهندگی افسران اطلاعاتی کشورهای جهان، نمونه‌های بارزی از این موارد است؛ اما در این میان یکی از پرچم‌ترین پرونده‌های جاسوسی مربوط به ادوارد اسنودن افسر اطلاعاتی آمریکاست که به روسیه پناهنده شد. اگرچه از ابتدای ورود ادوارد اسنودن، روس‌ها تلاش کردند نشان دهند که در این قضیه بی‌طرفی پیشه می‌کنند و در مواضع رسمی‌شان نیز روابط با واشنگتن را بر دادن پناهندگی و حمایت از اسنودن ترجیح دادند ولی در عمل مواضع تهاجمی دولت آمریکا نتوانست آن‌ها را از اعطای پناهندگی به اسنودن منصرف سازد. روسیه پس از قضیه اسنودن، پالس‌های تهدیدآمیزی از سوی آمریکا دریافت کرد که این موضوع شامل موارد زیر می‌گردد: افزودن به لیست تحریمی‌ها، قانون ماگنیتسکی، تصویب قانون ضد روسی در آمریکا، کمک و حمایت از مخالفان پوتین و حمایت از تجزیه‌طلبان و لغو دیدار رسمی. در خلال اجلاس جی ۸ روس‌ها تلاش بر مدیریت منطقی این وضعیت کردند و از همان ابتدا در مقابل فشارهای دولت آمریکا اعلام نمودند که هیچ نوع موافقت‌نامه‌ای مبنی بر استرداد مجرمین بین این دو وجود نداشته و پس از اعطای پناهندگی نیز آن را منطبق با قوانین روسیه دانستند.

اعطای پناهندگی و خویشتن‌داری در قبال اظهارات و مواضع تند واشنگتن همگی نشانه عقلانیت و موضع واحد روسیه در قبال واشنگتن از یک‌سو و القای این نکته است که روسیه تمکین در قبال آمریکا را نپذیرفته و به‌عنوان قدرت بزرگ و رو به ظهور، خواهان

ایفای نقشی فعال در جهان و پذیرش این نکته از سوی آمریکا است که عصر یک‌تازی‌ها و یک‌جانبه‌گری‌ها به پایان رسیده است، روسیه قدرتی است که سال‌هاست برای موازنه آمریکا و چالش هژمونی آن رقابت فعالی را در نیمکره شرقی و خاورمیانه آغاز کرده و معتقد است حل و مدیریت بحران‌های کنونی در جهان بدون حضور سایر قدرت‌ها امکان‌پذیر نیست (محبی‌نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

۶-۸. اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور

روسیه در واکنش به بحران اوکراین و سقوط دولت روس‌گرا در این کشور اقدام به تجزیه اوکراین کرد؛ به دنبال این موضوع استان‌های روس‌تبار اوکراین هم که حس واگرایی نسبت به دولت مرکزی داشتند، علم استقلال برپا کرده و بدین‌سان اوکراین گرفتار بحران داخلی و تجزیه فرسایشی شد؛ کشورهای گروه هشت^۱ هم که حاضر به درگیری با روسیه نبودند، جریان نشستی در هلند با انتشار اعلامیه‌ای در لاهه، ضمن محکومیت رسمی موضع‌گیری روسیه درباره تحولات اوکراین و استقلال شبه‌جزیره کریمه از این کشور، اخراج روسیه از گروه ۸ را اعلام و یک سلسله تحریم را علیه روسیه اعمال کردند. اخراج روسیه از گروه هشت کشور صنعتی جهان از جمله معدود تقابلات جدی غرب با روسیه بود که این امر سرآغاز فصل جدیدی از مناسبات دیپلماتیک و منازعات سیاسی عرصه بین‌الملل را در پی خواهد داشت.

۶-۹. مواضع مشترک ایران و روسیه در بحران سوریه

بخش مهمی از سیاست خارجی سوریه در چهارچوب استراتژی راهبردی روسیه تعریف شده است که با تمامی شاخص‌های راهبردی روسیه در قالب یک قدرت جهانی بزرگ هماهنگی دارد؛ همکاری روسیه با سوریه ماهیت اقماری دارد؛ به‌طورکلی باید بر این امر تأکید داشت که روابط روسیه و سوریه بخشی از ائتلاف ایدئولوژیک، امنیتی و یا

۱. اعضای گروه هشت متشکل از کانادا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، انگلیس و آمریکا

ژئوپلیتیکی با روسیه را تشکیل می‌دهد (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۲). به همین دلیل است که می‌بینیم روسیه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه سوریه را وتو نموده و تلاش‌های دیپلماتیک غرب به سرکردگی آمریکا برای اعمال فشار علیه سوریه در بسیاری موارد ناکام مانده است؛ اضافه بر این اینکه سوریه در چهارچوب استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی در خاورمیانه و حمایت از مقاومت لبنان و تقویت محور مقاومت به رهبری ایران هم نقش مهم و به‌سزایی داشته است. به این ترتیب می‌بینیم که حمایت‌های دیپلماتیک روسیه و حمایت‌های میدانی جمهوری اسلامی ایران تاکنون مانع سقوط رژیم سوریه شده است و این مسئله از مهم‌ترین همگرایی‌ها و همکاری‌های طرفین در فراز و نشیب‌های سیاسی و نظامی در سوریه شده است.

در مجموع روابط سوریه و روسیه متأثر از دو عامل نظامی و اقتصادی می‌باشد، در بُعد نظامی پایگاه استراتژیک طرطوس را می‌توان به‌عنوان عامل نظامی همکاری این دو کشور معرفی کرد (هارمر^۱، ۲۰۱۲: ۹۶). در حوزه اقتصادی هم سوریه یکی از بازارهای استراتژیک روسیه محسوب می‌شود. اضافه بر این اینکه روسیه علاقه‌مند است تأثیر خود در خاورمیانه را بسط داده و یا در همین حد حفظ کند که این تأثیرگذاری به‌طور عمده در حمایت از سوریه و ایران تبلور می‌یابد (بگدوناز^۲، ۲۰۱۲: ۶۷).

۷. رتبه‌بندی نیروهای پیشران بر اساس درجه اهمیت و عدم قطعیت

بر پایه مطالعات انجام‌شده ده روند به‌عنوان پیشران استخراج گردیده، رتبه‌بندی پیشران‌ها بر اساس درجه اهمیت آن‌ها برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی و عدم قطعیت آن‌ها صورت می‌گیرد. نکته اصلی شناسایی دو یا سه عامل یا روندی است که بیش از دیگران اهمیت داشته و یا بیشترین عدم قطعیت را دارا باشند. برای مشخص کردن فضای سناریو، به پیشران‌های اصلی نیاز داریم که دارای بالاترین اولویت از نظر اثرگذاری و همچنین

1. Harmer

2. Bagdonas

بالاترین اثرپذیری و عدم قطعیت باشند. با توجه به بررسی روابط و وابستگی بین ده پیشران اولویت‌دار یادشده با استفاده از نظر نخبگان می‌توانیم این کار را انجام دهیم. در این راستا، از نرم‌افزار میک بهره گرفتیم. در این نرم‌افزار با مقایسه پیشران‌ها به صورت دودویی و با دریافت نظر خبرگان، تأثیر و اهمیت هر یک از پیشران‌ها را نسبت به پیشران‌های دیگر از خبرگان مشخص می‌کنیم، ارتباط هر پیشران با خودش، صفر در نظر گرفته می‌شود و چنانچه یک پیشران با پیشران دیگر هیچ ارتباطی نداشته باشد، امتیاز آن صفر خواهد بود. ارتباط ضعیف، یک، ارتباط متوسط، دو و ارتباط زیاد، امتیاز سه را به خود اختصاص خواهد داد. امتیازهای داده‌شده از سوی پانل خبرگان در ماتریس ذیل آمده است. در هر مورد، متوسط امتیازهای داده‌شده در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۳: ماتریس امتیازات رابطه هر پیشران نسبت به پیشران‌های دیگر

	گسترش ناتو به شرق	رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر	اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب	سپر دفاع موشکی در لهستان و چک	بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران	منابع انرژی خزر	بحران اوکراین	بحران گرجستان	انقلاب‌های رنگین کشورهای مشرق‌شده از شوروی سابق	تقابل روسیه و غرب در بحران کوزوو
گسترش ناتو به شرق	۰	۳	۳	۱	۱	۳	۳	۲	۲	۲
رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر	۳	۰	۳	۲	۲	۳	۳	۱	۲	۱
اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب	۳	۲	۰	۱	۳	۳	۳	۱	۱	۱
سپر دفاع موشکی در لهستان و چک	۳	۱	۳	۰	۲	۳	۳	۱	۳	۲
بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران	۳	۲	۲	۱	۰	۲	۳	۱	۲	۲
منابع انرژی خزر	۳	۳	۳	۱	۳	۰	۳	۳	۳	۳
بحران اوکراین	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۰	۱	۳	۳
بحران گرجستان	۳	۱	۲	۲	۳	۳	۳	۰	۲	۲
انقلاب‌های رنگین در کشورهای مشرق‌شده از شوروی سابق	۲	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۱	۰	۱
تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو	۳	۲	۱	۱	۲	۳	۲	۱	۱	۰

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین امتیازات در سطرهای مربوط به بحران اوکراین، منابع انرژی خزر و گسترش ناتو به شرق می‌باشد.

جدول شماره ۴: جدول امتیازات پیشران‌ها بر مبنای نظر خبرگان

جمع امتیاز ستون‌ها	جمع امتیاز سطرها	پیشران‌ها
۲۶	۲۰	گسترش ناتو به شرق
۱۷	۲۰	رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر
۲۱	۱۸	اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب
۱۲	۲۱	سپر دفاع موشکی در لهستان و چک
۲۱	۱۸	بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران
۲۶	۲۵	منابع انرژی خزر
۲۶	۲۲	بحران اوکراین
۱۳	۲۱	بحران گرجستان
۱۹	۱۶	انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق‌شده از شوروی سابق
۱۷	۱۶	تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو



۷-۱. سناریوهای همگرایی ایران و روسیه

سناریوسازی برخلاف تصور عامیانه‌ای، تنها به منظور شناسایی محتمل‌ترین آینده یا شناسایی آینده‌های مطلوب (خوش‌بینانه) و نامطلوب (بدبینانه) نیست؛ بلکه اصلی‌ترین کارکرد سناریوها شناسایی آینده‌های متنوع و باورپذیری است که هر یک می‌تواند تحقق یابد و در صورتی که تحقق یابد منجر به تأثیرات متعددی بر موضوع مورد بحث می‌شود، به این ترتیب سناریوها در بردارنده شرایطی هستند که در آن شرایط همگرایی ایران و روسیه می‌تواند به شدت تحت تأثیر قرار بگیرد. سناریوها باید بیش از هر موضوعی بتوانند تهدیدات استراتژیک را ترسیم کنند. در هر یک از سناریوها برخی از عوامل تأثیرگذار به صورت بهتری می‌توانند به ایفای نقش پردازند و بر همین اساس نیز می‌توانند رویدادهای مختلفی را نیز تحقق بخشند. در این مطالعه از روش شناسی «عدم قطعیت‌های بحرانی» استفاده شده است. بر اساس روش عدم قطعیت‌های بحرانی لازم است تا اصلی‌ترین عدم قطعیت‌هایی که آینده را شکل می‌دهند، شناسایی شوند.

بر این اساس لازم است تا مهم‌ترین موضوعاتی که واجد شرایط زیر باشند، شناسایی شوند:

۱. موضوعی که اهمیت بالایی در فضای روابط بین‌الملل داشته باشد؛ بر آینده منافع ملی ایران و روسیه نیز تأثیرگذار باشد. بر این اساس می‌توان گفت: این موضوعات به عنوان عدم قطعیت‌هایی مهم در زمره اولویت‌های مؤثر طبقه‌بندی می‌شوند.
۲. عدم قطعیت شدید و عمیقی داشته باشند. به عبارت دیگر نتوان با اطمینان بالایی در خصوص آن سخن گفت. این عدم قطعیت را می‌توان در روابط روسیه و غرب بررسی نمود. در روش عدم قطعیت‌های بحرانی تلاش می‌شود تا موضوعاتی محور اصلی بحث شوند که هم‌زمان هم اهمیت بالایی دارند و هم آنکه دارای عدم قطعیت باشند. به این منظور لازم است تا ابتدا فهرستی از موضوعات تهیه شود و سپس «عدم قطعیت‌های بحرانی» شناسایی شوند و از آن‌ها به عنوان محورهای بحث بهره گرفته شود. بر این اساس عدم قطعیت‌ها نوشته می‌شوند.

در سال‌های گذشته تغییرات در حوزه روابط بین‌الملل و روابط روسیه با غرب گسترده بوده است. شرایط کنونی امکان تغییرات بنیادی در فضای جهانی را فراهم می‌کند، این تغییرات به نوبه خود می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در این راستا با برخورد با عوامل دیگر خود می‌تواند به ایجاد یا رفع تهدیدات نوظهوری که در جریان تغییرات گسترده جهان ایجاد می‌شود منجر گردد.

۲-۷. فضای سناریوها

سناریوها از تقاطع میان عدم قطعیت‌های بحرانی شکل گرفته است. به این ترتیب آن‌گونه که بیان شده است، می‌توان به سه سناریوی اصلی اشاره نمود:

- عادی بودن روابط ایران و روسیه.
 - روابط ایران و روسیه بر مبنای همگرایی.
 - اتحاد استراتژیک ایران و روسیه بر مبنای منابع دریای خزر.
- هر سناریویی از کنش و تعامل عوامل تأثیرگذار مختلف ساخته می‌شود.

سناریو ۱: عادی بودن روابط ایران و روسیه

این سناریو تقریباً از غیر محتمل‌ترین سناریوهای موجود در فضای سناریویی ما می‌باشد؛ چراکه روسیه به عنوان یک قدرت جهانی و ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک خزر دارای مرزهای آبی و منافع مشترک می‌باشند و نمی‌توان تصور کرد که روابط این دو کشور عادی باشد. همچنین دو کشور نمی‌توانند نسبت به انتقال انرژی خزر و حضور کشورهای دیگر در خزر بی‌تفاوت باشند.

سناریو ۲: روابط ایران و روسیه بر مبنای همگرایی

ایران و روسیه در طول تاریخ همواره روابط پرفراز و نشیبی را تجربه کرده‌اند؛ در دوران صفویه روابط ایران با روسیه مبتنی بر همکاری بود، در دوران قاجار به خصومت تبدیل شد

و در دوران پهلوی هم این روابط خصمانه و گاه دوستانه بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و روسیه - که در آن زمان شوروی بود - بعد از گذشت یک دهه، شکل ثابتی به خود گرفت و همکاری‌های دو کشور تقریباً از سال ۱۳۶۸ آغاز شد. با فروپاشی شوروی و شکل‌گیری نظام تک‌قطبی بر اساس نظم نوین جهانی، ایالات متحده آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان تلاش مضاعفی کرد؛ اما اتحادیه اروپا و روسیه دو قطب مخالف این نظم بودند؛ به این ترتیب روسیه اغلب منابع خود را پیگیری می‌نمود. در گیر و دار این مسائل، منافع روسیه و آمریکا به تلاقی سنگینی رسید که منجر به تقابل جدی بین روسیه و غرب شد؛ این مسئله موجب گردید تا روسیه در سیاست‌های خود به واگرایی با غرب برسد. این فرصت بهترین فرصت برای ایران است تا بتواند در کنار روسیه منافع ملی خود را تأمین کند. واگذاری سامانه‌های موشکی اس ۳۰۰ به ایران، همکاری بیشتر برای حل مسئله هسته‌ای ایران و توسعه روابط ایران و روسیه از جمله مواردی هستند که می‌توان نشانه‌های همگرایی ایران و روسیه را در آن مشاهده کرد.

سناریو ۳: اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه بر پایه منابع دریای خزر

هرچند ایران خواستار رسیدن به این نقطه است که اتحادی استراتژیک با روسیه داشته باشد؛ اما واقعیت این است که منافع ملی دو طرف در برخی مسائل دچار پارادوکس و متناقض است و همچنین تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که روس‌ها در بزنگاه‌های مختلفی که بارزترین آن را می‌توان آخرین قطعنامه شورای امنیت برای تحریم ایران دانست؛ تهران را تنها گذاشته‌اند. روس‌ها با کشورهایی اتحاد استراتژیک منعقد می‌کنند که سیاست خارجی خود را در چهارچوب استراتژی راهبردی مسکو و به‌عنوان اقمار این کشور تعریف کنند و این شاخص‌ها با تمامی شاخص‌های راهبردی روسیه در قالب یک قدرت جهانی بزرگ هماهنگی داشته باشد.

انتقال انرژی خزر می‌تواند بهترین بستر برای همکاری و همگرایی ایران و روسیه باشد. واقعیت این است که دو کشور به دلیل دارا بودن حجم عظیمی از ذخایر نفت و گاز و

نزدیکی جغرافیایی می‌تواند به‌عنوان مکمل یکدیگر اقدامات و فعالیت‌های بسیار مفیدی در زمینه تجارت جهانی و انرژی داشته باشند.

۸. تحلیل و نتیجه‌گیری

با این بررسی می‌توان دریافت که دو کشور ایران و روسیه و شرایط محیطی بین‌المللی نسبت به یک دهه پیش از آن، با تحولاتی روبه‌رو شده بوده‌اند که بستر نوینی را برای همکاری دو کشور فراهم کرده است. دو کشور برای همکاری در زمینه انرژی تمایل دارند، همچنین توسعه فازهای پارس جنوبی، همکاری در زمینه انتقال نفت خام دریای خزر به دریای عمان (خط لوله نکا- جاسک)، ساخت پالایشگاه در شمال کشور، بررسی و مطالعه و اجرای توسعه میدان آزادگان شمالی مورد تأکید قرار گرفته است، طرح معاوضه گاز در شمال کشور و بهره‌برداری و فروش آن در جنوب برای کشورهای مصرف‌کننده گاز از دیگر توافقات با گاز پروم است. مشارکت شرکت‌های روس در پروژه‌های بزرگ نفت و گاز ایران، نشان می‌دهد که توجه سرمایه‌های روسی به بازار ایران روزبه‌روز افزایش می‌یابد. با در نظر گرفتن تمام جوانب برای همکاری ایران و روسیه می‌توان گفت روسیه در مقطعی با هدف حذف رقبای دیگر و شکست برخی طرح‌های انرژی کشورهای غربی مثل (باکو - تفلیس - جیحان) به‌صورت ابزاری از برخی طرح‌های ایران در منطقه حمایت کرده و حتی خواستار مشارکت خود در این طرح‌ها شده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد اجرای خط لوله (باکو- تفلیس - جیحان) نشان داد که آمریکا و غرب مجدداً پیگیر حذف ایران و روسیه از پروژه انتقال انرژی خزر هستند؛ لذا این اقدام آمریکا و غرب هشدار می‌دهد به ایران و روسیه برای اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه و سریع درباره سرنوشت انرژی خزر است. در نتیجه همکاری و همسویی دو کشور کافی است تا غرب را تقریباً در برابر همگرایی ایران و روسیه منفعل کند، اضافه بر این اینکه کشورهای میزبان خطوط لوله ناباکو و باکو - تفلیس - جیحان توان پرکردن ظرفیت این خطوط را ندارند و ناچارند برای تکمیل ظرفیت این خطوط از کشورهای ایران و روسیه

کمک بگیرند که این امر خود زمینه کاهش اقتدار غرب و همگرایی ایران و روسیه را در صدور انرژی فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر همکاری روسیه و ایران می‌تواند زمینه‌ساز پیوستن سایر کشورهای ساحل خزر به این جمع باشد بنابراین باید منتظر عزم جدی ایران و روسیه برای اتخاذ رویکرد مشترکی جهت همگرایی در منطقه خزر بود تا زمینه برای توسعه روابط با سایر کشورها بیش از پیش فراهم شود. ایران با گذشت بیش از یک دهه از پرونده هسته‌ای‌اش می‌رود که گام‌های نهایی را برای تکمیل این پروژه بردارد و تکمیل پروژه هسته‌ای ایران؛ یعنی فراغ بال برای دستگاه دیپلماسی جهت تعامل بهتر در موضع قوی‌تر با کشورهای منطقه و جهان است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آریانفر، عزیز، (۱۳۸۴)، «نقش منابع انرژی در همگرایی و همکاری منطقه‌ای»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز - آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۸۴.
- ابراهیمی، محمد، (۱۳۸۴)، «استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدامات»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۸۴.
- اسکلیارف، لئونید، (۱۳۷۵)، «کشورهای حوزه دریای خزر در قرن ۲۱: منطقه رقابت یا همکاری»، ترجمه مهرداد محسنین، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۴، س ۱۵، تابستان ۱۳۷۵.
- امینی، محمدصادق، (۱۳۸۶)، دوماهنامه گزارش، سال دهم شماره ۱۸۷ خرداد ۱۳۸۶.
- بابا، علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، «مقایسه تطبیقی استقلال جمهوری‌های خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی با استقلال کوزوو»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۳، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۸.
- پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب، کد خبر: ۱۵۳۴۹۶، تاریخ انتشار: ۰۵ فروردین ۱۳۹۳.
- تقوی اصل، سید عطا، (۱۳۷۹)، «ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان»، ج اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- جلالی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «ذخایر هیدروکربنی دریای خزر: خطوط لوله نفت و گاز»، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز - آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۸۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۸)، «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «جزوه درسی نظریه‌های ژئوپلیتیک»، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیای سیاسی، ۱۳۸۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، ۱۳۸۱، پایگاه اینترنتی (SID)، به نشانی: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/55313790404.pdf
- رحمانی، منصور، (۱۳۸۴)، «گسترش ناتو و تحول نظام امنیتی اروپا»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۱۳، شماره ۵۰، بهار ۸۴.

- زرگر، افشین، (۱۳۸۶)، «ابعاد و ماهیت انقلاب‌های رنگین»، فصلنامه خط اول، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.
- سامانی، نیلوفر، (۱۳۸۶)، «ایران و روسیه: زمینه‌های امتناع و امکان همکاری‌های نفت و گاز»، میزگرد همکاری‌های انرژی ایران و روسیه، مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۰)، «ژئوپلیتیک در قرن ۲۱»، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۰.
- قربان، نرسی، (۱۳۸۹)، «نقش ایران در تعاملات نفت و گاز حوزه دریای خزر»، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹.
- کیانی، داود و خان‌محمدی، زهره (۱۳۹۲)، «واکوی علل حضور روسیه در سوریه»، شماره ۶۹، سال ۲۲، زمستان ۹۲.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ بسترها، عوامل و محدودیت‌ها»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- محبی‌نیا، جهانبخش و صالحی، منصور، (۱۳۹۲)، «جنگ سرد نوین در روابط روسیه و آمریکا»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، پاییز ۱۳۹۲.
- مرادی، مریم، (۱۳۸۰)، «استمرار و تغییر در سیاست خارجی آمریکا»، مجله راهبرد، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۰.
- متقی، ابراهیم و همکاران، (۱۳۹۳)، «عمل‌گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۲، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۳.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۱.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، «رژیم حقوقی دریای خزر، تصویری ژئوپلیتیک از مانعی در راه همکاری اقتصادی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۲-۱۶۳، س ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۹.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۰)، «سه دیدگاه در یک میزگرد»، میزگرد چشم‌انداز امنیتی دریای خزر، فصلنامه راهبرد، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۱)، «خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران با تکیه بر مورد خزر»، دانشگاه عالی دفاع ملی، فروردین ۱۳۸۱.
- میرشایمر، جان جی، «بحران اوکراین اشتباه کیست»، برگردان صبا نائلی، فصلنامه چشم‌انداز ایران، شماره ۸۹ دی و بهمن ۹۳.

- واعظی، محمود، (۱۳۸۸)، «پیامدهای بحران گرجستان»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸.
- نعمت‌اللهی، مهدی، (۱۳۷۹)، «مسیرهای صادرات نفت و گاز دریای خزر واقعیات و تصورات»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی منابع نفت و گاز خاورمیانه و دریای خزر، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی تهران، ۱۳۷۹.

ب. منابع انگلیسی

- 1-Azuolas, Bagdonas, "Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit", *European Journal of Economic and Political Studies (ejeps)*, Vol.5, No.2, 2012.
- Beissinger, Mark. R, Modrev, pdf, Retrieved from <http://www.polisci.wisc.edu>.2007.
- Beissinger, Mark. R, "Structure and Example in Modular Political Phenomenon: The Diffusion of Bulldozer/Rose/Orange/Tulip Revolution", Department of political Science, University of Wisconsin-Madison, 2005.
- "BP Statistical Review of World Energy", Retrieved from <http://www.bp.com> British Petroleum.2009.
- Dannreuther, Ronald. March, Luke, "Iran and Russia, from Ideslism to Pragmatism in State Society and Radicalism", London, Routledge, 2010.
- Kemp, Geoffry, "Energy SUPERBOWL Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin", Washington D.C, The Nixon Center, 1997.
- Koolace, Elaheh, "Iran and Russia, from Ideslism to Pragmatism, in: Ronald Dannreuther and Luke March (eds)", London, Russia and Islam, 2012.
- Nye, Joseph s, "Bound to lead: The Changing Nature of American Power", New York Basic Books, 1990.

